



### اشیای بزرگ یا سنگین و همچنین ظروف شیشه‌ای، چینی و سایر اشیای شکستنی و ظروف حاوی مواد خوراکی و شیمیایی را در قفسه‌های پایین کابینت و کمد قرار دهید.



### رقابت سخت «در جست و جوی فریده» در اسکار

جدی‌ترین رقبای «در جست‌وجوی فریده» به میدان رقابت اسکار آمدند. تاکنون سینمای ۹ کشور از جمله کره جنوبی، آلمان و بلژیک نمایندگان خود را به آکادمی اسکار معرفی کرده‌اند و ظاهراً فیلم «انگل» نخستین فیلم غیرانگلیسی ساخته‌ی بونگ جون-هو که در جشنواره کن امسال موفق به کسب جایزه نخل طلا بهترین فیلم شده، یکی از قدرتمندترین رقبای سینمای کره جنوبی است. کمیته اسکار سینمای آلمان هم فیلم «خرابکار سیستم» به کارگردانی نورا فینکشتیت را به‌عنوان نماینده سینمای خود در شاخه بهترین فیلم خارجی اسکار معرفی کردند و فیلم «مادران ما» ساخته سزار دیاز نیز از سوی بلژیک به آکادمی اسکار معرفی شده‌است.

## هیجان انگیز

### انجام مسابقه در فضای باز، خانواده‌ها را به توس کشاند **کشتی در کنار فر دوسه به سبک نیویورک**

شهروند! وقتی پای گوش شکسته‌های قدیمی می‌نشینیم، بارها به گوش‌مان خورده که در سال‌های دور مسابقات کشتی در میدان اصلی شهر برگزار می‌شد و مبارزه پهلوان‌های وقت خیلی از مردم را به سوی تماشای این مسابقات جذب می‌کرد. این اتفاق در سال‌های اخیر توسط کشورهای دیگر مثل آمریکا هم رقم خورده و مبارزه در میدان تایمز نیویورک یکی از جذاب‌ترین مسابقات سال کشتی جهان را رقم می‌زند. حالا برای نخستین بار سازمان لیگ کشتی هم با کمک هیأت خراسان رضوی دست به چنین اقدامی زده و فینال لیگ دسته یک کشتی آزاد را در فضای باز و در جوار آرامگاه فردوسی برگزار کرده؛ اتفاقی که با استقبال مردم مشهد و توس همراه شد و پای خیلی از خانواده‌ها را به تماشای کشتی باز کرد.

**اوج جذابیت کنار آرامگاه فردوسی**  
دیدارهای فینال و رده‌بندی لیگ دسته یک کشتی آزاد با ایده جدیدی در کنار آرامگاه فردوسی در شهر توس برگزار شد. منطقه‌ای که تشک کشتی پهن شد، جلوخان آرامگاه فردوسی نام داشت و سکوهای زیادی هم برای تماشاگران در نظر گرفته شده بود. دیدار فینال بین تیم‌های هیأت کشتی خراسان رضوی و پاس نکا خیلی نزدیک دنبال شد و در نهایت با تساوی ۵ بر ۵ و قهرمانی میزبان به خاطر امتیاز فنی بیشتر به پایان رسید.  
**خانواده‌ها می‌خوبند کشتی‌گیران**  
اتفاق جدیدی رخ داده بود و کشتی در فضای باز برگزار می‌شد. در یک روز تعطیل خیلی از مسافران و مردم محلی در محوطه آرامگاه فردوسی حضور داشتند که توجه‌شان به مسابقات کشتی جلب شد. به تدریج بعد از چند دقیقه تعداد زنان، کودکان، مردان و البته خانواده‌ها بیشتر شد و شور و هیجان خاصی در یک فضای باز برقرار شده بود. مهم‌ترین نکته شاید آن جا بود که حضور خانواده‌ها باعث شد کوچکترین درگیری به وجود نیاید و توهینی از سوی کسی صورت نگیرد. حالا از این پس نه تنها سازمان لیگ کشتی، بلکه سایر فدراسیون‌ها هم می‌توانند از این رویداد الگو بگیرند.



## خبر

### معرفی مخفی برترین‌های لیگ هجدهم! **مراسم پخش نشد، سالن خالی ماند**

مراسم معرفی برترین‌های لیگ هجدهم که قرار بود دیروز بعد از آغاز لیگ نوزدهم در هتل اسپیناس از ساعت ۱۶:۳۰ آغاز شود، با بی نظمی عجیب همراه بود. نزدیک به ۲ ساعت مهمانان این مراسم پشت درهای ورودی سالن حضور داشتند و بعد از مطلق فراوان مشخص شد به خاطر پرداخت نشدن مبلغ اجاره سالن، مسئولان هتل اجازه ورود به مهمانان را نداده‌اند! بعد از دقایقی این مشکل رفع شد، اما در شرایطی که قرار بود مراسم معرفی برترین‌های لیگ به صورت زنده از شبکه ورزش پخش شود، شاهد پخش زنده دیدار منچستر یونایتد و کریستال پالاس بودیم. این مساله باعث شد مردم و علاقه‌مندان به فوتبال از تماشای این مراسم محروم شوند. به نظر می‌رسد مسئولان شبکه ورزش به خاطر بی نظمی در سالن و تاخیر زیاد در شروع مراسم تصمیم به عدم پخش گرفتند. مراسم معرفی برترین‌های لیگ برتر در شرایطی پخش نشد که فدراسیون فوتبال برای این مراسم اسپانسر‌هایی را در نظر گرفته بود. همراه اول به عنوان اسپانسر اصلی فکر می‌کرد این مراسم پخش تلویزیونی خواهد داشت، اما حالا با پخش نشدن آن قطعاً ادعای خسارت خواهد کرد. معرفی برترین‌ها در خفا صورت گرفت و حتی تعداد صندلی‌های خالی در سالن هم حسابی به چشم می‌آمد. می‌توان حدود ۷۰، ۸۰ درصد سالن با توجه به قرار دادن بنرهای تبلیغاتی در طبقه دوم خالی ماند و حتی نمایندگان برخی از تیم‌های لیگ برتری مثل سپاهان هم در مراسم حاضر نبودند!

## خوشتیپ‌ها هم عصبانی می‌شوند!

### اهالی فوتبال هنوز رفتار استراماچونی در نشست خبری را درک نکرده‌اند؛ اما دلیل واقعی عصبانیت او چه بود؟ آیا دست‌هایی در کار است؟



شهروند! نداشتن مترجم برای سرمری یک تیم لیگ برتری آن هم در حد استقلال قطعاً عجیب است اما این اتفاق برای آندره استراماچونی در اولین تجربه رسمی حضورش روی نیمکت آبی پوشان رخ داد. شکست در ثابتهای پایانی هم به عصبانیت مربی ایتالیایی دامن زده بود، تا به شدت‌ترین شکل ممکن مقابل دوربین‌ها از مدیران باشگاه استقلال انتقاد کند و یک کنفرانس مطبوعاتی تاریخی را در فوتبال ایران به نام خودش ثبت کند. مشخص نبود در لحظه ورود استراماچونی به کنفرانس، مسئولان استقلال کجا حضور داشتند؛ اما به هر حال اتفاقاتی رقم خورد که دیروز نه تنها به تیر یک رسانه‌های ایرانی بلکه به تیر خیلی از رسانه‌های اروپایی به‌ویژه ایتالیایی‌ها تبدیل شد.

**چرا استراماچون نتوانست مترجم نداشته باشد؟**  
لیگ نوزدهم هم برای استقلال به شکلی دلخواه آغاز نشد؛ اما عجیب‌تر از آن نداشتن برنامه‌ای برای حضور مترجم کنار استراماچونی بود. این مربی ایتالیایی در طول بازی برای انتقال صحبت‌هایش به شاگردان خود دچار مشکل بود و در نهایت با شکستی که متحمل شد، عصبانیت خود را به کنفرانس مطبوعاتی کشاند. گویا مترجمی که در تمرینات

## تربیت

### جواد خیابانی؛ «با سلام به ملت بزرگ و فهیم ایران که راست‌گویی و راست‌پنداری را از بزرگان سرزمین و آیین‌شان آموخته‌اند»

بنده جواد خیابانی فرزند این سرزمین هستم و تا آخرین نفس و آخرین کلام فقط برای سرزمین خود و سازمان خودم تلاش خواهم کرد و افتخار من این است که در کشورم و برای شادی هموطنانم کار کرده‌ام و خواهم کرد. لذا خبر منتشره مبنی بر گویش در شبکه‌های خارجی بیهوده و بی‌مورد است و نداشته و ندارد و نخواهد داشت و من افتخارم این است که کوچک‌های شهر و سرزمینم را جزو بزم اما برای شبکه‌های جز سازمان و شبکه خودم هیچ کاری نکنم، کما این که با افتخار گزارشگر مسابقه افتتاحیه لیگ برتر کشورم بودم و در کنار مردم پاک‌طینت سرزمینم در ورزشگاه آزادی حضور داشتم.

**پرویز برومند؛ «حقیقتاً استقلال در بازی اول افتضاح بود و به جز ۱۵-۱۰ دقیقه آخر بازی هیچ چیز خاصی از هر دو تیم ندیدیم»**

هم‌بگویم این مسأله مربوط به استقلال نیست و ما در بازی پنجشنبه پرسپولیس هم شاهد همین موضوع بودیم و اگر مهدی ترابی در آن بازی حضور نداشت، بازی صفر بر صفر تمام می‌شد. استراماچونی تعویض‌های بدی انجام نداد و وقتی دیبااته اضافه شد، شرایط تغییر کرد و استقلال صاحب موقعیت‌های خوبی شد. اگر تیم پارسال مقابل ماشین‌سازی بازی می‌کرد، ۳-۴ گل به این تیم می‌زد.

## ادعای کایه‌دوسینما: یک فیلمنامه هزار صفحه‌ای از فروغ به جامانده!

### سناریوی قدیمی یا ادعای تازه؟

### آیا میراث هزار صفحه‌ای فروغ فرخزاد صحت دارد؟

پولاد امین | با این که بیش از نیم قرن؛ یعنی درست پنجاه و دو سال از مرگ فروغ فرخزاد می‌گذرد، اما در تمام این سال‌ها حرف و حدیث و شایعه و خبر درباره این چهره شعر ایران تمام نشده و کمتر دیده‌ایم که فروغ در رسانه‌ها حضوری خیرساز نداشته باشد. حالا این اتفاق می‌خواهد در قالب شایعه و خبر باشد و چه در قالب تحلیل و نقد و توهین. جدیدترین حضور رسانه‌ای فروغ فرخزاد را دیروز سایت سینما سینمارقم زد. با خبر عجیب احتمال وجود یک سناریوی هزار صفحه‌ای منتسب به فروغ که این رسانه سینمایی به نقل از کایه‌دوسینما، یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین نشریات سینمایی جهان، به چاپ رساند. ظاهراً محمدحقیقت، کارشناس سینمایی که در فرانسه سکونت دارد، بعد از این که متوجه شده رسانه‌های ایرانی از خبر منتشر شده در شماره ویژه ژوئیه-اگوست ماهنامه کایه‌دوسینما مطلع نشده‌اند، خبری را که درباره احتمال وجود یک سناریوی هزار صفحه‌ای از فروغ فرخزاد منتشر



شده بوده، به سایت سینما سینما ارسال کرده و این رسانه هم این موضوع را تیرت کرده است. اتفاقی که در صورت صحت اتفاق مهمی حداقل از نظر تاریخ سینما است. خبر کایه‌دوسینما در شمارهای منتشر شده که به سینماگران زن جهان اختصاص داشته است. در این شماره، نیم صفحه‌ای هم به فروغ فرخزاد و فیلم‌خانه سیاه است، پرداخته شده. نویسنده گزارش به فیلم‌بلندی اشاره کرده که قرار بوده این شاعر و سینماگر آن را بسازد. ظاهراً فروغ در سال‌های آخر در حال کار بر روی یک فیلمنامه پروپیمان بوده که قرار بوده درباره سرنوشت زن ایرانی باشد.

**عباس بهارلو از سناریوی فروغ می‌گوید**  
**این خبر جدیدی نیست!**  
فروغ اسفند سال ۴۵ در نامه‌ای به برادرش فریدون که آن زمان در آلمان تحصیل می‌کرد، به این موضوع اشاره کرده است. در این نامه که در شماره ۱۰۴ نشریه زن روز چاپ شده، فروغ اشاره کرده که یک سناریوی هزار صفحه‌ای نوشته (نمی‌دانم یک سناریو چطور می‌تواند هزار صفحه باشد) و می‌خواهد بر اساسش فیلم بسازد و البته در ادامه افزوده که ساخت فیلم احتمالاً می‌ماند برای سال‌ها دیگر. جالب این که در این بین اشاره می‌کند به این که ممکن است در این فاصله من بمیرم و این کار ناتمام بماند.  
**درباره موضوع کار هم توضیحی نوشته؟**  
بله. خودش توضیح می‌دهد و می‌گوید که من در این کار سعی کرده‌ام زندگی حقیقی زن ایرانی را نشان بدهم. دلم می‌خواهد این فیلم در یکی از این خانه‌های قدیمی ایرانی فیلمبرداری شود. خانه‌هایی که اتاق‌هایش تودرتوست، من این خانه‌ها را در کاشان دیده‌ام.  
**شما خودتان این سناریو را ندیده‌اید؟**  
نه طبیعتاً آن را ندیده‌ام و گمان نمی‌کنم از هم‌دوره‌های ما کسی آن را دیده باشد. یعنی کسی آن را به‌طور فیزیکی در دست نگرفته است؟  
حالا ممکن است مثلاً آقای گلستان درباره‌اش چیزی بداند و حتی آن را داشته باشد، البته مطمئن نیستم و نمی‌توانم ذهن خوانی کنم، ولی به‌هر حال در نقل دیگری در این مورد نشنیده‌ام که کسی آن را خوانده باشد.  
**از نظر اطلاع داشتن چه؟**  
چرا فریدون رهنما، شاعر معروف مقاله‌ای نوشته درباره فروغ به نام پایان یک تولد که در شماره ۱۱۳ آرش چاپ شده، که آن‌جا می‌گوید: «طرح‌ها داشت، به‌ویژه طرحی برای یک فیلم داستانی بر پایه زندگی خودش؛ که بریدا و شاید فیلمش هم به همین برش پایان می‌یافت؛ و حرکت دستی که به سوی دراز می‌شود و ناگهان به یک عکس ثابت منتهی می‌گردد.» این هم اطلاعاتی است که آقای رهنما درباره فیلمنامه بیان کرده. بعد هم که فروغ مدتی بعد از دنیا می‌رود و فیلم هم ساخته نمی‌شود. اگر خانواده‌اش این سناریو را داشتند، قطعاً تا آن اعلام می‌کردند.  
**به نظر تان چرا این را به‌عنوان خبر جدید اعلام کرده‌اند؟ با توجه به این که شما ۲۱ سال پیش درباره‌اش نوشته‌اید...**  
دلایلش این است که کتاب‌ها خوانده نمی‌شوند.

آن چه در بی‌می‌آید، گفت‌وگوی «شهروند» است با عباس بهارلو که علاوه بر بی‌شمار آثارش در زمینه تاریخ سینما، در سال ۱۳۷۷ کتابی به نام فروغ فرخزاد و سینما نوشته است. کتابی که اول به نام غلام‌حیدری منتشر شد، اما در سال‌های اخیر به نام عباس بهارلو تجدید چاپ شده است.



**آقای بهارلو عزیز؛ آیا از جریان سناریوی هزار صفحه‌ای فروغ خبر دارید؟**  
دیروز آقای محمدحقیقت از پاریس تماس گرفت و برای من این خبر را فرستاد، حالا چه چیزی باید درباره‌اش بگویم؟  
**شما این موضوع را شنیده بودید؟**  
بله و به خاطر همین هم تعجب کردم که گفتند خبر جدیدی درباره فروغ کار شده، من اول بار سال ۱۳۷۷ در کتاب فروغ فرخزاد و سینما که در نشر علم چاپ شده، به این موضوع اشاره کردم.  
**یعنی شما خودتان سناریوی فروغ را دیده یا خوانده‌اید که در کتابتان بهش اشاره کرده‌اید؟**